



Investigating the Effect of Economic Resilience on Taxes in the Provinces of Iran

Alizadeh, Sh.¹; Shaghaghi shahri, V.²; Olfati, N.³

Type of Article: **Research**

 10.22126/PSE.2023.9420.1051

Received: 07 August 2023; Accepted: 11 November 2023

P.P: 233-250

Abstract

Tax, as one of the important sources of government revenue, to invest in infrastructure and improve the well-being of households, it is a function of sustainable and endogenous growth, which can be identified as the characteristic of such economies with higher resilience. Resilience is the concept of endogenous economic response to shocks and fluctuations that has the least negative effects on the economy, therefore, considering the instability of government revenues and the increase in the budget deficit in recent years, this study investigates the effect of economic resilience on taxes using the statistical evidence of Iran's provinces during the period of 2006-2021 and the econometric approach of panel data. The results of the estimates show that with the increase of economic resilience, tax revenues have increased significantly. And have an elasticity higher than one, which indicates the stability of the government's income, in addition to this, the export ratio has a negative effect, and the high economic growth compared to the average economic growth of the country has a positive effect on tax revenues, and finally, inflation and unemployment have a significant effect on income. They do not have taxes, so focusing on endogenous growth based on internal forces is the most important factor for the stability of tax revenues.

Keywords: Taxation, Economic Resilience, Panel Data, Tax Revenues, Provinces of Iran.

JEL Classification: H2, C23.

1. PhD in Economics, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

Email: alizade.2015@yahoo.com

2. Assistant Professor of Public Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: vahidshaghaghi@yahoo.com

3. PhD Student in Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

Email: naserolfati@gmail.com

Citations: Alizadeh, Sh.; Shaghaghi shahri, V. & Olfati, N. (2023). "Investigating the Effect of Economic Resilience on Taxes in the Provinces of Iran". *Public Sector Economics Studies*, 2 (3), 233-250.

Homepage of this Article: https://pse.razi.ac.ir/article_2816.html?lang=en



بررسی اثر اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری اقتصادی) بر درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران

شیوا علیزاده^۱، وحید شقاقی شهری^۲، ناصر الفتی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

doi: 10.22126/PSE.2023.9420.1051

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

صص: ۲۳۳-۲۵۰

چکیده

مالیات به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدی دولت برای سرمایه‌گذاری در زیربنایها و بهبود رفاه خانوارها، تابعی از رشد پایدار و درون‌زاست و اقتصادهای مبتنی بر آن با ویژگی تاب‌آوری بالاتر شناخته می‌شوند. تاب‌آوری یعنی عکس‌العمل درون‌زای اقتصادی نسبت به شوک‌ها و نوسانات، به این صورت که شوک‌ها کمترین اثرات منفی را بر اقتصاد داشته باشد. با توجه ناپایداری درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه در سال‌های اخیر، پژوهش حاضر با استفاده از شواهد آماری استان‌های ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۴۰۰ و رهیافت اقتصادسنجی داده‌های پانل، به بررسی اثر تاب‌آوری اقتصادی بر مالیات‌ها می‌پردازد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که با افزایش تاب‌آوری اقتصادی، درآمدهای مالیاتی به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابند و کسش بالاتر از یک دارند که بر پایداری درآمدهای دولت دلالت می‌کنند. علاوه بر این، نسبت صادرات اثر منفی و بالا بودن رشد اقتصادی نسبت به میانگین رشد اقتصادی کشور اثر مثبت بر درآمدهای مالیاتی دارد و در نهایت تورم و بیکاری اثر معنی‌داری بر درآمد مالیاتی ندارد. لذا توجه به ایجاد ساختاری از تولید که مبتنی بر عوامل داخلی و نیروهای متخصص جامعه باشد، مهم‌ترین اولویت برای دستیابی به پایداری درآمدهای مالیاتی است.

واژه‌های کلیدی: مالیات، تاب‌آوری اقتصادی، داده‌های پانل، درآمدهای مالیاتی، استان‌های ایران.

طبقه‌بندی JEL: H2، C23.

۱. دکتری اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

Email: alizade.2015@yahoo.com

۲. استادیار علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: vahidshaghghi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

Email: naseroifati@gmail.com

۱. مقدمه

دولت‌ها نقش مهمی در رشد اقتصادی و توسعه کشورهای به‌ویژه کشورهای در حال توسعه دارند. اکثر دولت‌ها خدمات بسیاری از جمله آموزش، مراقبت‌های پزشکی، تأمین زیرساخت‌های اساسی از قبیل جاده‌ها و نیروگاه‌های برق را انجام می‌دهند. برای ارائه خدمات عمومی و ایجاد زیرساخت‌ها، به منابع فراوانی نیاز است. بیشتر دولت‌ها برای تأمین منابع مالی به درآمدهای مالیاتی تکیه کرده‌اند. این درآمدها زمینه ایجاد رشد و توسعه کشورهای و ارائه خدمات دولت از طریق تأمین بودجه را فراهم می‌کند؛ همان‌طور که درآمدهای مالیاتی ناکافی مشکلات عمده‌ای را در بهبود رشد و توسعه کشورهای به وجود می‌آورند.

توسعه نظام مالیاتی یکی از محورهای اساسی توسعه اقتصادی کشور شناخته می‌شود. در این راستا جایگزینی درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای ناپایدار نفتی، همواره از مهم‌ترین محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است. این مهم، با عنایت به الزام قانون برنامه پنج‌م بر قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه، رسیدن به نسبت مالیاتی حداقل ۱۰ درصد در پایان برنامه و نیز رشد سالانه درصدی نسبت درآمدهای عمومی به استثنای درآمدهای نفت و گاز به اعتبارات هزینه‌ای، در کنار شرایط به‌وجودآمده به دلیل تحریم‌های اقتصادی بیش از پیش احساس می‌شود (عسگری، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی که می‌تواند بر رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی و... تأثیرگذار باشد مالیات است. در این راستا، اتکا بر درآمدهای مالیاتی از سالم‌ترین روش‌های تأمین درآمد برای دولت‌ها است؛ اما به دلیل تقاضای روزافزون کالاها و خدمات عمومی، وجود درآمدهای باثبات و پایدار برای دولت امری ضروری است. از طرفی علی‌رغم بالا بودن هزینه‌های عمومی دولت، درآمد نفتی دولت دارای نوسان است؛ بنابراین، برای تأمین این هزینه‌ها درآمد مطلوب و مناسب نیاز دارد. تعیین نرخ مالیات اهرمی برای کنترل اقتصاد کشور تلقی می‌شود. درآمدهای مالیاتی به تأمین بودجه دولت منجر می‌شود و منبع مهمی برای دریافت درآمد دولت به شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین محورهای اقتصاد مقاومتی افزایش درآمدهای مالیاتی دولت است؛ بنابراین، با توجه به اینکه هدف اقتصاد مقاومتی دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است، لازمه آن کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه دولت است. کاهش اندازه دولت با مردمی‌سازی اقتصاد بر اساس تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه دولت از اصول اقتصاد مقاومتی در حیطه تأمین مالی دولت است.

از این‌رو، اصلاح نظام درآمدی دولت و حضور گسترده فعالان اقتصادی در عرصه‌های اقتصاد رسمی کشور سبب افزایش درآمد مالیاتی می‌شود و راهی برای تأمین بودجه دولت به شمار می‌آید. همین موضوع موجب می‌شود از وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاسته شود و درآمد دولت تحت تأثیر اثرات منفی شوک‌های قیمت نفت نباشد. در ادبیات اقتصاد مالیات‌ها، اگر نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی چشمگیر باشد، این نظام مالیاتی ابزار مالی قدرتمندی شناخته می‌شود و می‌تواند نوسانات اقتصادی را کنترل کند. همچنین به‌عنوان نظام مالیاتی سازگار با اقتصاد مقاومتی شناخته می‌شود. میزان این سازگاری را می‌توان با نماگرهایی همچون نسبت

درآمدهای مالیاتی به GDP و GNP و میزان کشش قیمتی مالیات‌های مستقیم و کالایی نشان داد. بدیهی است که هرچه نسبت T/GDP بیشتر (0.5 یا بالاتر) و هرچه مقدار کشش قیمتی بزرگ‌تر از یک باشد، میزان سازگاری نظام مالیاتی با اقتصاد مقاومتی بیشتر خواهد بود (محمودزاده و ستوده‌نیا، ۱۳۹۳).

بنابراین، بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برای اصلاح نظام درآمدی دولت و کاهش وابستگی به نفت، می‌توان به نظام مالیاتی پویا دست یافت که چنین نظامی در کشور می‌تواند تمامی نیازهای یک اقتصاد مقاومتی را تأمین کند؛ زیرا دولت‌ها برای انجام وظایف و اجرای تعهدات خود نیازمند منابع مالی‌اند و مالیات به‌عنوان یک راهبرد می‌تواند اتکای درآمدهای کشور را به درآمدهای نفتی کاهش دهد؛ چرا که تأمین مالی آن توسط خود افراد جامعه و مالیات‌های پرداختی آن‌هاست که موجب می‌شود دولت از دیگر منابع مالی بی‌نیاز شود و پایه‌های آن مستحکم گردد. در واقع مالیات می‌تواند به‌عنوان کلیدی‌ترین منبع درآمدی دولت، نقش بسزایی در شکوفایی اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

به‌رغم اینکه در دهه‌های اخیر تلاش‌های فراوانی برای بهبود و گسترش نظام مالیاتی کشور انجام شده است، اما نظام مالیاتی کشور هنوز با چالش‌های بسیاری مواجه است. مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های نظام مالیاتی بر اساس ارکان سه‌گانه تشکیل‌دهنده (رکن تولید ملی، قوانین و مقررات و سازمان وصول مالیات) عبارت است از: ترکیب نامناسب تولید ملی و گستردگی بخش خدمات، تولید ملی و نحوه توزیع درآمد در کشور، سنتی بودن نظام توزیع و بخش مشاغل، سهم بالای بخش‌های معاف از مالیات و محدود بودن پایه بالایی از نظام‌های مالیاتی، حجم نسبتاً بالای اقتصاد زیرزمینی، وجود نهادهای عمومی با گردش مالی بالا، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، ضعف ضمانت‌های اجرایی قوانین مالیاتی، محدود بودن پایه‌های مالیاتی، معافیت‌های گسترده مالیاتی، اثربخشی پایین برخی مشوق‌های مالیاتی، کمبود نیروی انسانی ماهر بر بودجه، نبود پایگاه اطلاعات اقتصادی و مالی یکپارچه، فرایندهای ناکارآمد مالیاتی، نبود نگاه یکپارچه به مؤدی مالیاتی، همکاری نکردن اصناف در خصوص تکالیف قانونی و صنفی آن‌ها. تردیدی وجود ندارد که توسعه نظام مالیاتی کشور بدون تقویت هم‌زمان سه رکن اصلی آن میسر نیست (عسگری، ۱۳۹۲). در دهه‌های اخیر اصلاحات عمده‌ای در سیاست‌ها و مدیریت مالیاتی ایران انجام شده است. فقدان یکپارچگی در مدیریت سیستم‌ها، نبود داده، ضعف در مدیریت جریان اطلاعات، ارتباط نداشتن با پایگاه اطلاعاتی سایر دستگاه‌ها و مدیریت جزیره‌ای سیستم‌ها از مهم‌ترین مشکلات سازمان امور مالیاتی در مدیریت مالیاتی به شمار می‌آیند (میرمحمدی و جنتی، ۱۳۹۶).

با توجه به مشکلات مالیاتی کشور، هدف این پژوهش بررسی تأثیرگذاری اقتصاد مقاومتی بر درآمد مالیاتی کشور است؛ بنابراین، در ادامه مباحث به مرور ادبیات موضوع و بررسی وضعیت مالیات و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است و در بخش پایانی برآورد مدل و تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین نتیجه‌گیری و پیشنهادهاى تحقیق مطرح شده است.

۲. مبانی نظری

بر اساس بیانیه رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۲، اقتصاد مقاومتی به معنای تحقق اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، فرصت‌ساز، پویا و پیشرو، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی در جهت عینیت بخشیدن به الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است. رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ ایده اقتصاد مقاومتی را بیان کردند و در اکثر بیانات اقتصادی خود نیز بر این مفهوم تأکید ویژه‌ای دارند. تأکید مکرر ایشان بر اقتصاد مقاومتی نشان‌دهنده اهمیت بالای شکل‌گیری چارچوب کاربردی اقتصاد مقاومتی برای اقتصاد ایران است. یکی از مهم‌ترین الزامات اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به نفت است. این وابستگی سال‌هاست که در کشور وجود دارد؛ بنابراین، باید از فرصت‌های موجود استفاده کرد و فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا مانند درآمدهای مالیاتی را جایگزین درآمدهای نفتی کرد. از طرفی، با توجه به اینکه در شرایط تحریم، منابع مالی اولین موضوعی است که به آن توجه می‌شود، موضوع مهم در اقتصاد مقاومتی، تأمین درآمدها و منابع مالی است. کشورهای تحریم‌کننده با استفاده از ابزارها و روش‌های گوناگون سعی در محدود کردن و قطع درآمدهای کشورهای تحریم‌شونده دارند تا آن‌ها را دچار بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و وادار به پذیرش شرایط خود کنند. این محدودیت‌ها و تحریم‌ها در اقتصادهای تک‌محصولی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند، بیشتر نمود می‌یابد. این کشورها بدون وجود تحریم هم ممکن است در اثر نوسانات قیمت و تحولات بازارهای جهانی دچار بحران شوند. از این‌رو باید پایه‌های درآمدی دیگری در اقتصاد مقاومتی در نظر گرفت و زمینه آسیب‌پذیری را محدود کرد. کشورهای توسعه‌یافته با اتکا به همین منابع مالیاتی در اقتصادشان از دهه‌های گذشته، به‌صورت نظام‌مند و هدفمند از این ظرفیت بی‌پایان بهره می‌برند.

در صورتی می‌توان از این منبع مهم درآمدی استفاده کرد که تورم کشور کنترل شده باشد. اگر تورم افزایش یابد درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد. برای توضیح قانع‌کننده از نوسانات گسترده نسبت‌های نرخ تورم مالیاتی در کشورهای مختلف در دوره‌های کوتاه‌مدت، توجه ویژه به عوامل تعیین‌کننده پایه‌های مالیاتی ضروری است. اثرات تورم بر مالیات می‌تواند از سه طریق بررسی شود: نخست، بر اساس اثر تانزی-الیور^۱ در یک محیط تورمی. زمانی که پرداخت‌های تحقق‌یافته مالیاتی با تأخیر صورت می‌پذیرد، به‌ناچار مالیات از مقدار آن در زمان اصلی خودش کمتر است. دوم، برخی عوارض بر برخی کانال‌ها مانند دخانیات، بنزین و... ممکن است با نرخ خاصی صورت گیرد که لزوماً با تورم تعدیل نشود و سرانجام، نرخ‌های بالای تورم پایه مالیاتی را کاهش می‌دهد؛ زیرا بر اثر ارزش واقعی ثروت، عوامل اقتصادی سبب دارایی خود را طوری تعدیل می‌کنند که در آن دارایی‌هایی وجود داشته باشد که از اصابت مالیات فرار کنند (مانند زمین، جواهرات، سرمایه خارجی، احشام و...). کسب درآمد دولت از راه‌هایی مانند چاپ پول به افزایش حجم پول در گردش اقتصاد و در نتیجه افزایش تورم منجر می‌شود. بیشتر بودن نرخ تورم بر اتکای بیشتر دولت به درآمدهای غیرمالیاتی و کاهش سطح درآمدهای مالیاتی دلالت می‌کند (عرفانی و همکاران، ۱۳۹۵).

1. Tanzi-Oliver Effect

درآمدهای مالیاتی از مهم‌ترین منابع مالی و همچنین از مؤثرترین ابزارها برای اجرای سیاست‌های مالی دولت محسوب می‌شود. دولت از طریق درآمدهای مالیاتی خدمات اجتماعی و رفاهی را در اختیار مردم قرار می‌دهد. افزایش درآمدهای نفتی و پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در منابع بودجه عمومی دولت باعث وابستگی به درآمدهای نفتی شده و اقتصاد کشور را از امکان استفاده مؤثرتر از مالیات‌ها برای اعمال سیاست مالی محروم ساخته است (گرایی نژاد و چپر دار، ۱۳۹۱). برای مقاوم‌سازی و ترمیم برخی از ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی، اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود که پیش شرط لازم برای اجرای این سیاست، مشارکت همگانی و وجود مدیریت‌های عقلایی است. اقتصاد مقاومتی به معنای کاهش وابستگی‌ها و تمرکز بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خودتکایی است.

در بیانات مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی ویژگی‌هایی مطرح شده است که مهم‌ترین ویژگی‌ها بدین شرح است: مردم‌بنیانی، عدالت‌محوری، درون‌زایی، برون‌گرایی و دانش‌بنیان بودن اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که آسیب‌پذیری کشور را در مقابل ریسک‌های متعددی که اقتصاد را تهدید می‌کند کاهش می‌دهد. در واقع اقتصاد مقاومتی کاهش آسیب‌پذیری و تهدیدات اعمال شده بر اقتصاد ملی است و در این اقتصاد برای مقابله با تهدیدات صورت گرفته باید به اقتصاد تکیه و تلاش در راستای کاهش وابستگی به درآمد نفتی و افزایش درآمدهای پایدار مالیاتی صورت گیرد. با توجه به شرایط فعلی کشور و وجود تحریم‌های ناعادلانه بین‌المللی، درآمد مالیاتی یک منبع مهم درآمدی برای دولت است و می‌تواند تأثیر بسزایی بر اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

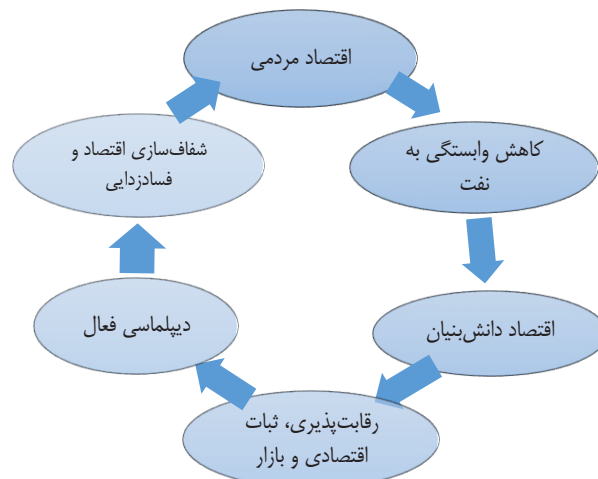
درآمدهای مالیاتی یکی از منابع درآمدی بودجه عمومی دولت در ایران است که در اکثر سال‌ها حدود ۳۰ درصد از درآمدهای عمومی دولت را به خود اختصاص می‌دهد. از آنجا که درآمدهای مالیاتی از طریق جمع‌آوری مالیات به دست می‌آید و نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی توسط خود دولت تعیین می‌شود، می‌توان سیاست‌های مالیاتی را در شمار ابزارهایی دانست که دولت از آن برای سیاست‌گذارهای مالی استفاده می‌کند. سیاست‌های مالیاتی می‌تواند دولت را در انجام وظایفی چون برقراری ثبات اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، توزیع امکانات، ایجاد هماهنگی در اقتصاد و... کمک کند؛ بنابراین، قبل از هرگونه تصمیم‌گیری مالیاتی باید نتایج و پیامدهای ناشی از آن ارزیابی شود. دولت دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم دریافت می‌کند. مالیات‌های مستقیم به آن دسته از مالیات‌هایی گفته می‌شود که به‌طور مستقیم بر افراد و خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شود. در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم به کالاها و خدماتی اختصاص دارد که از آن استفاده می‌شود. در ایران مالیات مستقیم شامل درصدی از حقوق کارمندان بخش خصوصی و دولتی، درصدی از درآمد مغازه‌داران و اصناف، درصدی از سود شرکت‌های دولتی و خصوصی، درصدی از نقل و انتقالات و ثروت خانوارها و درصدی از ارزش املاک و مستغلات می‌شود. مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات بر واردات (سود بازرگانی و حقوق گمرکی) و مالیات بر کالاها و خدمات (مالیات بر سیگار، تلفن همراه، نوشابه، بنزین، نفت سفید و...) می‌شود.

بانک جهانی تعدادی از اولویت‌ها را برای اصلاح درآمد در کشورهای با درآمد متوسط تعیین کرده است

(Junquera-Varela et al, 2017)، از جمله:

- افزایش درآمد حاصل از مالیات مستقیم، به‌ویژه با افزایش اثربخشی مالیات بر درآمد افراد حرفه‌ای خوداشتغال و درآمد سرمایه‌گذاری افراد بسیار ثروتمند. این امر هم فرصتی را برای افزایش فضای مالی به‌طور کلی فراهم می‌کند و هم به عادلانه‌تر کردن سیاست مالیاتی و حمایت از فراگیری انعطاف‌پذیری اقتصادی کمک می‌کند.
- مالیات مناسب بر تولید منابع طبیعی، استفاده از مالیات بر درآمد شرکت، مالیات بر اجاره منابع و یا پرداخت حق امتیاز. این امر به‌ویژه به تعداد کشورهای با درآمد متوسط پایین که به‌شدت به صادرات منابع طبیعی وابسته هستند توجه دارد.
- افزایش جمع‌آوری درآمد از «مالیات بر فعالیت‌های مضر» (مانند الکل و سیگار) و «مالیات سبز» (مانند عوارض سوخت) که هر دو پتانسیل افزایش درآمد دارند و می‌توانند به کاهش نیاز به هزینه‌ها در سایر زمینه‌ها (مانند هزینه‌های سلامت) کمک کنند. در حال حاضر اکثر کشورهای LMIC نسبت به اقتصادهای پیشرفته، نرخ مالیات بسیار کمتری بر سیگار وضع می‌کنند.
- اقدامات برای افزایش مالیات شرکت‌ها و مالیات بر ارزش افزوده از طریق ثبت کسب‌وکار، اصلاحات نظارتی و اداره مالیات برای تشویق رسمی شدن مشاغل و اقداماتی برای تشویق تغییر از پرداخت نقدی به پرداخت الکترونیکی.
- کاهش هزینه‌های مالیاتی (معافیت‌ها و طرح‌های تشویقی) که اولین قدم آن با احتمال انتشار جزئیات هزینه‌های مالیاتی و گنجاندن هزینه‌های مالیاتی به‌عنوان یک بند در بودجه دولت برداشته می‌شود.
- بهبود عملکرد و کارایی اداره مالیات، از طریق اقداماتی مانند شرکتی کردن مقامات درآمد، بهبود استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش استفاده از حسابرسی مبتنی بر ریسک و بهبود ارتباط با مالیات‌دهندگان.

۱-۲. مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی^۱



شکل ۱: مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

۱. وحید شقایق شهری، دکتری اقتصاد و رئیس کمیته نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳

اقتصاد مردمی: گذر از اقتصاد پول‌مبنا و حرکت به سمت اقتصاد کارمحور و تولیدمبنا با حضور و نقش فعال اقشار مردم در تولید ثروت و گسترش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و اقتصاد خانواده.

اقتصاد دانش‌بنیان: تجاری‌سازی یافته‌های علمی و کسب ثروت از دانش و اتکای اقتصاد به علم و فناوری.

کاهش وابستگی به نفت: کاهش اتکای بودجه و درآمدهای دولت به منابع نفت و گاز و جایگزینی با درآمدهای پایدار مالیاتی، صادرات غیرنفتی، دانش و مالکیت‌های فکری و خدمات.

رقابت‌پذیری و ثبات اقتصادی: ثبات، شفافیت و انسجام سیاست‌ها و مقررات اقتصادی و تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و مزیت‌های رقابتی و کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات داخلی.

شفاف‌سازی اقتصاد و فسادزایی: شفافیت گردش اطلاعات مالی و اقتصادی، حذف رانت‌ها و همچنین انحصارها و ویژه‌خواری‌ها به‌خصوص در اطلاعات عمومی و اقتصادی.

دیپلماسی فعال: توسعه تعاملات دوجانبه، ارتباطات منطقه‌ای و حضور فعال و مؤثر در مجامع جهانی و بهره بردن از فرصت‌ها و ظرفیت‌های منطقه اقتصاد مقاومتی شاخه‌ای از علم اقتصاد است که با شناسایی و تشخیص تهدیدها و پیامدهای منفی و کمبودهای ناشی از آن، برای جبران کمبودها و به حداقل رساندن اثرات منفی آن، با شناسایی تمامی توانمندی‌های انسانی، سرمایه‌ای و فناوری داخلی، با حداکثر بهره‌وری، به تقویت و افزایش تولید داخلی پرداخته و از طرف دیگر به اصلاح الگوی مصرف می‌پردازد و منابعی را که کمبودشان تا حدود زیادی جبران شده به‌صورت بهینه به نیازهای تعدیل‌شده بر اساس اصلاح الگوی مصرف تخصیص می‌دهد.

۲-۲. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

- قدرت و مقاومت اقتصادی شامل اصولی کلی در مقابله با تحریم‌ها و فشارهای سایر کشورهاست؛ از قبیل مدیریت مصرف، رشد اقتصادی بالا و تأمین مخارج دولت از طریق منابعی که کشورهای خارجی نتوانند بر آن اعمال نفوذ نمایند (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).
- قدرت و مقاومت مالیاتی به این اصل اشاره دارد که در زمان تحریم‌ها منابع درآمدی دولت از نظر کمیت و کیفیت باید به شکلی باشد که از طرفی کمترین آسیب را به سرمایه‌گذاری و تولید داخلی وارد آورد و از طرف دیگر حداکثر ظرفیت مالیاتی را وصول کند.
- عدالت مالیاتی به این معنی است که از افراد با درآمد یکسان، مالیات یکسان (عدالت افقی) و از افراد با درآمد متفاوت، مالیات متفاوت اخذ شود (لشکری‌زاده و عزیزی، ۱۳۹۰؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۷).
- دانش و اطلاعات مؤدیان و مأموران مالیاتی

لازمه به حرکت درآمدن چرخ‌های هر سیستمی وجود دانش و اطلاعات سیستمی است. نظام مالیاتی نیز از این امر مستثنا نیست؛ لذا آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی و مقررات عمومی از الزامات نظام مالیاتی است (لشکری زاده و عزیز، ۱۳۹۰).

- شفافیت نحوه خرج کردن مالیات‌ها

به این معنی است که دولت با اعلام محل خرج مالیات‌ها باعث شود مردم به دولت اعتماد کنند و به این فرهنگ و تفکر دست یابند که پرداخت مالیات به نفع خود مردم است.

- پیچیدگی مالیات

پیچیدگی در نظام مالیاتی به این معنی است که برای مواد قانونی تفاسیر و بخشنامه‌های متفاوتی وجود دارد که باعث سردرگمی مؤدیان و مأموران مالیاتی می‌شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۷).

- تنوع و انعطاف‌پذیری

بر این اساس، نظام مالیاتی باید از نظر اصلاحات و تغییرات احتمالی در مالیات‌ها انعطاف‌پذیری بالایی داشته باشد؛ یعنی بتوان بدون ایجاد اشکالات و تأثیرات شدید اقتصادی، در نظام مالیاتی تجدیدنظر و اصلاحاتی انجام داد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۷).

- اعتماد دولت به مردم

به این معنی است که اگر مؤدیان بخواهند در چارچوب مقررات ماده ۱۵۸ قانون، مالیات‌های مستقیم درآمد خود را خودشان اظهار کنند، دولت به این مؤدیان اعتماد کند.

- فرهنگ مالیاتی

به معنای باورهای مردم درباره مالیات و لزوم پرداخت آن است. در واقع فرهنگ مالیاتی، عبارت است از ذهنیت مالیاتی شامل نگرش‌ها و الگوی رفتاری شهروندان مشمول مالیات به مالیات و دولت (Wartick et al, 2008; Nerré, 2001؛ کلانتری و علیاری، ۱۳۸۶).

- مالیات بر ارزش افزوده و اصلاح الگوی مصرف

مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چندمرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید و توزیع بر اساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای تولیدشده و یا خدمات ارائه‌شده اخذ می‌شود و مالیات را نهایتاً زنجیر آخر، یعنی مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌کند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳-۲. درآمد مالیاتی و مقاومت اقتصادی

دولت نقش مهمی در اقتصاد به عهده دارد. به این صورت که درآمدهای دولت از طریق انواع مالیات، تعرفه‌ها و درآمدهای حاصل از بخش نفت به دست می‌آید و سپس درآمدهای به‌دست‌آمده در راه مصرف، انتقال به نهاده و پس‌انداز صرف می‌شود (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲). وابستگی به درآمدهای نفتی و بی‌انضباطی مالی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی اقتصاد کشورهای حوزه سند چشم‌انداز است. کاهش اندازه دولت با مردمی‌سازی اقتصاد بر اساس تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و افزایش سهم درآمدهای

مالیاتی در بودجه دولت از اصول اقتصاد مقاومتی در حیطه تأمین مالی دولت است. بحث افزایش قدرت مقاومت اقتصاد ملی در چارچوب تقویت نظام مالی (بند نهم) و افزایش سهم درآمدهای مالیات در تولید (بند هفدهم) معنا می‌یابد. با توجه به سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، می‌توان گفت که به هر سه محور درون‌زاسازی اقتصاد در سند سیاست‌های کلی توجه شده است؛ بنابراین، لازم است به تقویت نظام مالی کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، کاهش کسری بودجه دولت و افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی در بودجه و در نتیجه آن، کاهش سهم نفت در بودجه توجه شود.

رفع وابستگی به درآمدهای نفتی یکی از مهم‌ترین بندهای اقتصاد مقاومتی است؛ به طوری که در بند ۹ نیز به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی تأکید شده است؛ بنابراین، توجه به درآمد مالیاتی دولت بر اساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بررسی آن امری ضروری است.

۳. پیشینه پژوهش

نظام درآمدی دولت موضوعی است که در سال‌های اخیر در خارج و داخل کشور مطالعات متعددی درباره آن انجام شده است. در این بخش به بیان برخی از این مطالعات پرداخته می‌شود.

۳-۱. مطالعات داخلی

فرزندی اردکانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها» به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر اساس بند یک اصل صد و دهم قانون اساسی توسط رهبر انقلاب، و نیز راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور در دهه پیشرفت و عدالت پرداخته‌اند. در این پژوهش موانع و چالش‌های تحقق اقتصاد مقاومتی بررسی شده که یکی از این موارد ناکارآمدی نظام مالیاتی است. ضمن آنکه یکی از راهبردهای مهم در رشد اقتصاد مقاومتی نظام مالیاتی کارآمد معرفی شده است.

گرایی نژاد و چپر دار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران» با استفاده از داده‌های سری زمانی در ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۷، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP را به‌عنوان شاخص مقبول در مطالعات جهانی بررسی کرده‌اند. نتیجه تحقیق گویای این است که گسترش درآمدهای نفتی و سهم بخش کشاورزی با میزان وصول مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی، رابطه معکوس و عوامل انگیزشی سازمانی رابطه مستقیم دارند.

عسگری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «کالبدشکافی اصلاح مالیاتی نظام کشور: چالش برنامه‌ها، مالیاتی‌ها و عملکرد نظام» اصلاح نظام مالیاتی را بررسی کرده است. وی ابتدا کارکردهای مالیات در کشور و چالش‌های آن بر اساس ارکان سه‌گانه و سپس مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در برنامه‌های اخیر و آتی برای توسعه نظام مالیاتی کشور را بررسی کرده است. توسعه و تکمیل نظام مالیات بر ارزش افزوده، بازنگری قوانین و مقررات مالیاتی، اجرای

طرح جامع مالیاتی و اصلاح و تکمیل نیروی انسانی از محورهای اصلی تحول نظام مالیاتی است. اصلاح ساختار اقتصاد کلان کشور از حیث نحوه انجام فعالیت‌های اقتصادی، توسعه فعالیت‌های شرکتی و توسعه کیفی، نوسازی بخش خدمات، گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف معافیت‌های غیرضرور، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای سازمان، تأمین نیروی انسانی، اتخاذ همه تدابیر قانونی و اجرایی و قضایی برای مواجهه با اقتصاد زیرزمینی را باید مهم‌ترین برنامه‌های آتی برای توسعه نظام مالیاتی کشور قلمداد کرد.

اسدی و خداپرست (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی با رویکرد توسعه اقتصادی» به بررسی توسعه اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحقق عدالت توأم با توسعه و پیشرفت اقتصادی نیازمند یک الگوی توسعه بومی منحصر به فرد اسلامی-ایرانی است که در چارچوب اقتصاد مقاومتی و با برنامه‌ریزی در راستای بی‌اثر نمودن تحریم‌ها باشد.

صمیمی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش توانمندسازی اقتصادی در راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشورهای در حال توسعه» با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی الگوی خودرگرسیون واریانس ناهمسانی شرطی تعمیم‌یافته (Garch) در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۹ به بررسی رابطه بین توانمندسازی اقتصادی یا کاهش نوسانات و راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. نتایج برآورد الگوها نشان می‌دهد که افزایش نااطمینانی در اقتصاد کلان سبب افزایش شدید مخارج دولت شده است؛ به گونه‌ای که مقاومت اقتصاد را نیز در کشورهای مدنظر کاهش داده است.

محمودی و امامعلی سبزی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «جایگاه مالیات در اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی - ارومیه)» با بررسی مبانی نظری مالیات مقاومتی و با احصای نظر کارشناسان مالیاتی، عوامل مؤثر بر مالیات مقاومتی را شناسایی و شاخص‌های مربوطه در راستای نیل به اهداف مالیاتی اقتصاد مقاومتی را تحلیل کرده‌اند. این تحقیق به روش همبستگی و در میان ۸۵ نفر از کارکنان اداره کل امور مالیاتی شهر ارومیه انجام شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲۵ نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده که نشان می‌دهد همه شاخص‌های بررسی شده بر افزایش قدرت و مقاومت مالیاتی به ترتیب زیر مؤثرند: عامل دانش و اطلاعات مؤدیان و مأموران مالیاتی بیشترین تأثیر را دارد. عدالت مالیاتی در جایگاه دوم و شفافیت نحوه خرج کردن مالیات‌ها در جایگاه سوم است. پیچیدگی مالیات، اعتماد دولت به مردم، فرهنگ مالیاتی، اصلاح الگوی مصرف در جایگاه‌های بعدی قرار دارد. عامل تنوع و انعطاف‌پذیری کمترین تأثیر را بر افزایش قدرت و مقاومت مالیاتی دارد. البته تأثیر افزایش قدرت و مقاومت مالیاتی بر افزایش قدرت و مقاومت اقتصادی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است.

خادم‌علیزاده (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نظام مالیاتی سازگار با اقتصاد مقاومتی در ایران (با تأکید بر تثبیت اقتصاد کلان، انعطاف‌پذیری، شفافیت و پاسخگویی)» بیان می‌کند که نظام مالیاتی به عنوان ابزار سیاست مالی، نسبت به نوسانات اقتصادی حساسیت زیادی دارد و عامل مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. هدف این مقاله بررسی مؤلفه‌های نظام مالیاتی سازگار با اقتصاد مقاومتی، نقش و عوامل اثرگذاری این نظام برای تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سازگاری نظام مالیاتی، شاخص ترکیبی

وزنی از شاخص‌هایی مثل نسبت مالیات به GDP، میزان شفافیت و پاسخگویی و... است. همچنین یک نظام مالیاتی درست می‌تواند باعث ثبات و رشد اقتصاد شود. شفافیت در نظام مالیاتی می‌تواند باعث افزایش درآمد مالیاتی شود و از فشار موجود بر پایه‌های مالیاتی کم کند که همین امر باعث تقویت تولید و در نتیجه افزایش آستانه مقاومت اقتصادی کشور می‌شود. همچنین فرار مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی نشان‌دهنده ناسازگاری نظام مالیات با اقتصاد مقاومتی در ایران است.

رائی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران» نشان داده‌اند که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نسبت درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ اما در بلندمدت مخارج دولت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد.

میرمحمدی و جنتی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌های اصلاح نظام مالیاتی ایران با تأکید بر فعالیت‌های گردشگری» به بررسی اصلاح نظام مالیاتی کشور پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، برنامه اصلاح نظام مالیاتی در شش سطح طبقه‌بندی شده است که با یکدیگر ارتباطات پسین و پیشین دارند.

کریمی و دورباش (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد» در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۴ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، رابطه مثبت بین مالیات‌های مستقیم و ضریب جینی و رابطه منفی بین مالیات‌های غیرمستقیم و ضریب جینی را نشان داده‌اند. از طرفی، تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معنادار بر نابرابری درآمد دارد و همچنین اثر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی بر توزیع درآمد، مثبت و معنادار است.

۲-۳. مطالعات خارجی

تیرا^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود از داده‌های سری زمانی متعلق به اوگاندا طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۰ برای تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده سهم درآمد مالیاتی در این کشور استفاده کرده است. فرار مالیاتی از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر درآمد مالیاتی شناسایی شده است که نتایج تجربی اهمیت آن را تأیید می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که فرار مالیاتی بر همه مالیات‌ها تأثیر می‌گذارد. تولید ناخالص داخلی علامت منفی دارد. همچنین فرار مالیاتی و باز بودن اندازه‌گیری سهم واردات اثر منفی چشمگیری را نشان می‌دهد.

منکیو^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «مالیات‌بندی بهینه در عمل و تئوری» تئوری مالیات بهینه و مقایسه آن با سیاست‌های مالیاتی دهه‌های اخیر کشورهای OECD را بررسی کرده‌اند. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا به‌کارگیری تئوری‌های مالیاتی بهینه در کشورهای توسعه‌یافته به رشد سیاست‌های مالیاتی منجر شده است. نتایج نشان می‌دهد که سیستم‌های مالیاتی با نرخ‌های کم‌نوسان هیچ تعارضی با تئوری‌های موجود ندارند.

1. Teera
2. Mankiw

هارلیمانا^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «نقش مالیات بر اقتصاد مقاومتی و توسعه رواندا» به این نتیجه رسید که بین مالیات و توسعه اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) رواندا رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین، برای افزایش مقاومت باید مالیات‌هایی در نظر گرفته شود.

کیتسوس^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «نقش تعیین‌کننده در انعطاف‌پذیری اقتصادی منطقه‌ای: شواهدی از انگلستان» به بررسی نقش تعیین‌کننده صنعت محلی بر انعطاف‌پذیری اقتصادی در واحدهای سرزمینی بریتانیا برای آمار NUTS2 پرداختند. بحران مالی ۲۰۰۸ تأثیر عمیقی بر شرایط اجتماعی - اقتصادی مناطق مختلف داشت. مناطق بریتانیا بر اساس ظرفیت خود، برای اجتناب یا غلبه بر شوک، تجربیات متفاوتی داشتند. نتایج نشان می‌دهد که تعبیه‌پذیری تا حدی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت دارد. پس از آن، تعبیه بیشتر به تاب‌آوری منفی می‌انجامد. نتایج نیازمند توجه بیشتر به روابط بین صنایع محلی، به‌ویژه با توجه به توسعه اخیر استراتژی‌های صنعت محلی است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی اثر تاب‌آوری اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با استناد به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، در راستای هدف پژوهش، از مدل (۱) برای بررسی اثر تاب‌آوری اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی استفاده می‌کند:

$$tax_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 grwo_{it} + \alpha_2 resis_{it} + \alpha_3 cap_{it} + \alpha_4 un_{it} + \alpha_5 infla_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این رابطه، tax درآمد مالیاتی (برحسب لگاریتم) است که بر اساس آمارهای سال‌نامه مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور گردآوری شده است. grow رشد اقتصادی است که به صورت انحراف رشد اقتصادی از میانگین کشوری به دست آمده است و بالا بودن آن به معنای بالا بودن ظرفیت‌های اقتصادی در استان مدنظر است. resis شاخص تاب‌آوری اقتصادی است که از مجموع نسبت صادرات استان نسبت به کشور، نرخ رشد و معکوس نرخ شاخص فلاکت محاسبه شده است. cap انباشت سرمایه است که به صورت انباشت سرمایه و بر اساس میزان سرمایه‌گذاری در هر استان و هر سال محاسبه شده است و در برآوردها به صورت لگاریتمی استفاده شده است. un نرخ بیکاری در هر استان است که هر ساله مرکز آمار ایران به صورت سالنامه گزارش کرده است. infla تورم استانی است و به صورت رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت پایه سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است و منبع آن هم مرکز آمار ایران است.

ساختار شواهد پژوهش حاضر داده‌های پانل است و به همین دلیل از رهیافت داده‌های پانل استفاده می‌شود. ابتدا بایستی ناهمگنی موجود در آمارهای پژوهش با استفاده از آزمون F لیمر بررسی شود. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که ناهمگنی در داده‌های پژوهش را نمی‌توان رد کرد؛ زیرا فرضیه صفر مبنی بر عدم ناهمگنی بین داده‌ها رد شده است.

1. Harelimana

2. Kitsos

جدول ۱. نتایج آزمون‌ها

آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	آزمون خودهمبستگی	آزمون واریانس ناهمسانی
۲/۹۹	۶۱/۹۶	۷۳/۳	۳۶۷/۰۲
۰/۰۰	۰/۰۰	(۰/۰۰)	۰/۰۰
وجود ناهمگنی	اثرات ثابت ارجح است.	وجود خودهمبستگی	وجود ناهمسانی

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

۵. یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآوردها به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته پانل در جدول (۲) گزارش شده است. رشد اقتصادی در پژوهش حاضر به صورت معکوس فاصله رشد استان‌ها از میانگین رشد اقتصادی به دست آمده است. افزایش رشد به مفهوم افزایش پتانسیل برای درآمد مالیاتی است و هرچه رشد اقتصادی بالاتر باشد، توانایی ساختار مالیات در شناخت پایه‌های جدید مالیاتی و افزایش نرخ مالیاتی افزایش می‌یابد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که با افزایش رشد اقتصادی، میزان درآمدهای مالیاتی به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد؛ به طوری که با افزایش یک درصد در انحراف رشد اقتصادی، میزان درآمدهای مالیاتی به اندازه ۱/۳۳ درصد افزایش می‌یابد که این امر ناشی از افزایش نرخ مالیات و همچنین شناخت پایه‌های مالیاتی جدید است.

شواهد برآوردها برای اثرگذاری تاب‌آوری اقتصادی بر مالیات حاکی از آن است که با افزایش یک درصد در تاب‌آوری اقتصادی، میزان درآمدی به اندازه ۱/۳۳ درصد افزایش یافته است. این اثر در سطح خطای یک درصد معنی‌دار است. تاب‌آوری اقتصادی به مفهوم توانایی اقتصاد در اجتناب و تحمل اثر شوک‌ها و توانایی اقتصاد در بازیابی سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده بیرونی است؛ بنابراین، تاب‌آوری باعث افزایش ظرفیت تولیدی و توانایی پرداخت مالیات آن‌ها می‌شود. به همین دلیل رشد درون‌زا یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده پایداری درآمدهای مالیاتی است. هرچه این سطح از تاب‌آوری در اقتصاد افزایش یابد، توانایی پرداخت مالیات، و به این واسطه پایداری مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

تولید تابعی از دو مؤلفه انباشت سرمایه و کار و نهاده‌های تولیدی در فرایندهای تولیدی است. به همین دلیل هرچه ظرفیت اقتصادی به واسطه افزایش سرمایه فیزیکی افزایش یابد، میزان توانایی پرداخت به مالیات به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. در واقع یکی از دلایل اثر معنی‌داری انباشت سرمایه بر مالیات ناشی از ورود تولیدکنندگان به ناحیه صرفه مقیاس تولیدی است؛ زیرا هرچه سرمایه افزایش یابد، مقیاس تولید افزایش و صرفه مخارج تحقیق و توسعه نیز رشد خواهد کرد. بنابراین، تولید انبوه با هزینه متوسط پایین افزایش یافته و توانایی پرداخت مالیات به طور معنی‌داری بالا می‌رود. به طوری که با افزایش یک درصد در انباشت سرمایه، میزان مالیات به اندازه ۰/۸۳۹ درصد افزایش یافته است که این اثر در سطح خطای یک درصد معنی‌دار است و در واقع بر اهمیت ظرفیت اقتصادی تولیدکنندگان در راستای افزایش مالیات دلالت دارد.

جدول ۲. نتایج تخمین

مقدار احتمال	مقدار آماره Z	ضریب	
۰/۰۰	۵/۰۵	۱/۳۳	تاب‌آوری اقتصادی
۰/۰۰	-۵/۰۹	-۱/۳۴	رشد اقتصادی
۰/۰۰	۵/۱۸	۰/۸۳۹	انباشت سرمایه
۰/۰۰	-۵/۰۳	-۱/۳۳	نسبت صادرات
۰/۱	۱/۶۵	۰/۰۵۳	بیکاری
۰/۱۱	۱/۵۷	۰/۰۱۱	تورم
۰/۰۱	-۲/۵۵	-۵/۴۴	عرض از مبدأ

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

اقتصاد برای درآمدهای ارزی نیاز به توسعه صادرات دارد. به همین دلیل عمدتاً مشوق‌های مالیاتی برای این گروه از تولیدکنندگان برقرار می‌شود تا بتوانند صادرات را به‌طور معنی‌داری افزایش دهند. برآوردها نشان می‌دهد که افزایش نسبت صادرات اثر منفی و معنی‌داری بر درآمد مالیاتی دارد؛ به این صورت که با افزایش یک درصد در نسبت صادرات، درآمد مالیاتی به اندازه ۱/۳۳ درصد کاهش یافته است. واقعیت آن است که افزایش صادرات اگرچه معیاری برای بخشودگی مالیاتی است، اما توسعه ظرفیت آن و بهبود در روش‌های تولید برای کسب سهم بازار جهانی می‌تواند میزان بخشودگی را کاهش دهد و به این واسطه، درآمد مالیاتی نیز افزایش یابد. اما درباره این مسئله باید به‌طور علمی بحث شود.

بیکاری نشان‌دهنده ظرفیت بیکار در اقتصاد است و بر ناتوانی اقتصاد در بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولیدی در حداکثر مقدار دلالت دارد؛ بنابراین، هرچه بیکاری در اقتصاد افزایش یابد، میزان تولید نسبت به حالت بالقوه کمتر بوده و در نتیجه، ظرفیت و مقدار بالفعل مالیات به‌طور معنی‌داری کاهش می‌یابد. نتایج برآوردها برای مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بیکاری اثر معنی‌داری بر مالیات نداشته است. این نتیجه به دو دلیل توجیه‌پذیر است: ابتدا اینکه مالیات در اقتصاد ایران مبتنی بر ظرفیت کامل تولید نیست و بنابراین، حتی با کاهش در ظرفیت اقتصاد ممکن است افزایش یابد که این به دلیل شناخت پایه‌های مالیاتی جدید است. دوم اینکه بیکاری در اقتصاد ایران مبتنی بر آمارهای دقیق نیست و افراد دارای مشاغل خدماتی ممکن است به‌عنوان بیکار مدنظر قرار گیرند، در حالی که درآمدهای بالا دارند. لذا این نوع بی‌دقتی‌ها در برآورد بیکاری یکی از عوامل اصلی در معنی‌دار نبودن اثر بیکاری بر مالیات است.

در نهایت تورم یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر مالیات است. تورم از یک طرف باعث افزایش نابرابری درآمدی و بنابراین شناخت مؤلفه‌های جدید پایه مالیاتی می‌شود و از طرف دیگر هرچه تورم افزایش یابد، به دلیل افزایش انتظارات تورمی، انتقال قیمت به سهولت امکان‌پذیر است و پذیرش مالیات به دلیل امکان انتقال آن به مصرف‌کننده نهایی افزایش یافته و در نهایت درآمد مالیاتی افزایش می‌یابد؛ اما نتایج برآوردها نشان می‌دهد که تورم اثر معنی‌داری بر مالیات نداشته است و بنابراین، ساختار مالیاتی در ایران بر مبنای ظهور بازارهای رانتی ناشی از افزایش تورم نیست و ساختار مالیات کشور قادر به شناسایی ظرفیت‌های مالیاتی جدید ناشی از این بازارها نیست.

۶. نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران یکی از اقتصادهایی است که در سالیان اخیر بیشترین نوسانات نامطلوب رشد اقتصادی را تجربه کرده است؛ به طوری که در دهه ۹۰ رشد متوسط سالانه آن یک درصد بوده است. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که عمده مالیات دولت از محل پایه‌های رشد اقتصادی تأمین شود و حساسیت مالیات به تغییرات در رشد اقتصادی نسبتاً بالا باشد. اما واقعیت آن است که نظام مالیاتی در اقتصاد ایران ناپاست و درجه حساسیت مالیات به تغییرات رشد اقتصادی در سطح پایینی قرار دارد. این امر ناشی از عدم شناسایی انواع پایه‌های مالیاتی در کشور است و خود باعث کاهش کارایی مالیات شده است که بخشی از آن نتیجه ساختارهای نامطلوب مالیاتی است.

رشد پایدار اقتصادی مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده پایداری درآمدهای مالیاتی است و رشد پایداری به ساختار درون‌زای اقتصاد وابسته است؛ ساختاری که دارای تاب‌آوری بالاتر نسبت به شوک‌های خارجی است. تاب‌آوری در اقتصاد می‌تواند به دو صورت ایستا و پویا تعریف شود. تاب‌آوری اقتصادی ایستا توانایی یک سیستم در حفظ وظیفه خود (مانند تداوم تولید) در هنگام بروز شوک است. این تعریف با مسئله بنیادی اقتصاد، یعنی تخصیص کارای منابع هم‌تراز است که در هنگام وقوع فجایع تشدید می‌شود. یک تعریف عمومی‌تر که ملاحظات پویا را دربر گرفته و می‌تواند تاب‌آوری اقتصادی پویا نامیده شود، سرعت بهبود یک سیستم از یک شوک شدید است تا حالت مطلوبش را به دست آورد. این مفهوم همچنین شامل مفهوم ثبات سیستم است؛ زیرا بر این دلالت دارد که سیستم توانایی بازگشت به عقب را دارد. بنابراین، بهبود تاب‌آوری به مفهوم پایداری پایه مالیاتی و در نتیجه، پایداری درآمدهای مالیاتی است. بالا بودن نوسانات رشد اقتصادی در کشور و همچنین رشد منفی اقتصادی در اغلب سال‌های دهه ۹۰ بر عدم تاب‌آوری اقتصادی در ایران دلالت دارد.

در پژوهش حاضر، با به‌کارگیری رهیافت داده‌های پانل، اثر تاب‌آوری اقتصادی بر مالیات برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۸ بررسی شد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که تاب‌آوری اثر مثبت و معنی‌داری بر مالیات دارد؛ به این صورت که با افزایش یک درصد در تاب‌آوری اقتصادی، میزان مالیات به اندازه ۱/۳۳ درصد افزایش یافته است. بنابراین، مؤلفه تأمین پایدارکننده درآمدهای مالیاتی در سطح استان‌ها، درون‌زایی و تاب‌آوری بالای اقتصاد به نوسانات و شوک‌های خارجی است. این در حالی است که رشد اقتصادی بالاتر با درآمدهای مالیاتی بالاتر همراه بوده است که نشان‌دهنده اهمیت ظرفیت‌های اقتصادی در تأمین مالیات بالاتر است.

در نهایت، نسبت صادرات اثر منفی بر مالیات دارد که نشان‌دهنده اهمیت بخشودگی مالیات در صنایع دارای صادرات بالاتر است. واقعیت آن است که تا زمانی که نتوان شرایط مطلوبی برای کارآفرینی و به‌کارگیری نیروی متخصص فراهم کرد، نمی‌توان به رشد درون‌زا در اقتصاد ایران دست یافت. لذا بهبود در سطح قوانین کشور و ارائه استراتژی مبتنی بر تولید در کشور و توجه به مؤلفه‌های ایجادکننده تاب‌آوری بالاتر در تأمین رشد اقتصادی برای افزایش پایداری درآمدهای مالیاتی مهم‌ترین سیاست پیشنهادی است. به‌طور کلی لازمه مدیریت سالم و رفاه‌محور درآمدهای مالیاتی پایدار است.

منابع

- اسدی، محمدحسن؛ خداپرست شیرازی، جلیل. (۱۳۹۳). «اقتصاد مقاومتی با رویکرد توسعه اقتصادی». مدیریت شهری نوین، ۲(۵)، ۹۳-۱۰۸.
- بهبودی، داوود؛ اصغریور، حسین؛ باستان، فرانک؛ سیف، یزدان. (۱۳۹۲). «تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران». پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۳(۳)، ۱۰۹-۱۲۴.
- تاری، فتح‌اله؛ کاویانی، زهرا. (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن». فصل‌نامه سیاست کلان، ۲(۲)، ۲۷-۴۷.
- توکلی، محمد؛ خواجوی، شکراله؛ ولی‌پور، هاشم. (۱۳۹۷). «ارزیابی تأثیر شکاف پاسخ‌گویی بیرونی سازمان امور مالیاتی بر اقبال عمومی و درآمدهای مالیاتی». پژوهش‌نامه مالیات، ۲۶(۳۹)، ۷۱-۹۲.
- جعفری صمیمی، احمد؛ اعظمی، کوروش. (۱۳۹۳). «نقش توانمندسازی اقتصادی در راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشورهای در حال توسعه». علوم اقتصادی، ۸(۲۸)، ۱۰۷-۱۱۹.
- خادم‌علیزاده، امیر. (۱۳۹۵). «نظام مالیاتی سازگار با اقتصاد مقاومتی در ایران (با تأکید بر تثبیت اقتصاد کلان، انعطاف‌پذیری، شفافیت و پاسخ‌گویی)». پژوهش‌نامه مالیات، ۲۴(۳۳)، ۱۴۵-۱۷۶.
- رائی، نیره؛ محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین. (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران». سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴، ۱۱۵-۱۳۲.
- عرفانی، علی‌رضا؛ کردلوئی، حمیدرضا؛ شمسین، اسماعیل. (۱۳۹۵). «تحلیل اقتصادی امکان اعمال مالیات بر سپرده‌های بانکی». فصل‌نامه دانش سرمایه‌گذاری، ۵(۱۹)، ۲۵۵-۲۶۸.
- عسگری، علی. (۱۳۹۲). «کالبدشکافی اصلاح نظام مالیاتی کشور: چالش‌ها، برنامه‌ها و عملکرد نظام مالیاتی». سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱(۲)، ۸۵-۱۲۰.
- فرزندی اردکانی، عباس‌علی؛ صفری، حسین؛ سادات، میرمحمد؛ بازرگانی، حسین. (۱۳۹۷). «طراحی الگوی راهبردی - فرهنگی اقتصاد مقاومتی با ملاحظه اقتصادی - دفاعی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری در ج. ا. ایران». پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۴)، ۱۴۵-۱۷۶.
- کریمی، محمدشریف؛ دورباش، معصومه. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته». سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۶(۲۲)، ۴۷-۶۸.
- گرایبی‌نژاد، غلامرضا؛ چپردار، الهه. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران». اقتصاد مالی، ۶(۲۰)، ۶۹-۹۲.
- لشکری‌زاده، مریم؛ عزیزی، محمد. (۱۳۹۰). «شناسایی برخی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ایران». مدیریت، ۲۲، ۶۲-۸۰.

محمودزاده، محمود؛ ستوده‌نیا، مریم. (۱۳۹۶). «برآورد وقفه مالیاتی و کشش قیمتی به تفکیک گروه‌های مالیاتی استان گلستان». *پژوهش‌نامه مالیات*، ۲۵(۳۳)، ۱۱۷-۱۴۷.

محمودی، عبدالله؛ امامعلی سبزی، حامد. (۱۳۹۴). «جایگاه مالیات در اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی - ارومیه)». *فصلنامه اقتصاد و مالیات*، ۱(۱)، ۹۲-۱۱۰.

میرمحمدی، سید محمد؛ جنتی، نادر. (۱۳۹۶). «اولویت‌های اصلاح نظام مالیاتی ایران با تأکید بر فعالیت‌های گردشگری (رویکرد مدل‌سازی تفسیری ساختاری)». *گردشگری و توسعه*، ۶(۱)، ۱۵۰-۱۷۷.

Asadi, M. & Khodaparast shirazi, J. (2014). "Resistance Economics with Economic Development Approach". *Modern Urban Management*, 2(5), 93-108. [In Persian].

Askari, A. (2013). "Dissection of the Tax Reform of the Country: Challenges, Programs and the Tax System Operation". *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 1(2), 85-120. [In Persian].

Behboudi, D; Asgharpur, H. A.; Bastan, F. & Seif, Y. (2013). "The Impact of Oil Revenues on Social Capital in Iran". *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 13(3), 109-124. [In Persian].

Erfani, A.; Kordlouie, H. & Shamsiyan, S. (2016). "Economic Analysis of the Possibility of a Tax on Bank Deposits". *Journal of Investment Knowledge*, 5(19), 255-268. [In Persian].

Farzandi Ardakani, A.; Safari, H.; Sadat, M. M. & Bazargani, H. (2017). "Designing a Strategic-cultural Pattern of Resistance Economy with Economic-defense Considerations Based on the Thoughts of the Supreme Leader in C. A. Iran". *Islamic Revolution Research*, 7(4), 145-176. [In Persian].

Geraeinejad, A. R. & Chapardar, E. (2012). "Investigating Factors Affecting Tax Revenues in Iran". *Financial Economics*, 6(20), 69-92. [In Persian].

Harelimana, J. B. (2018). "The Role of Taxation on Resilient Economy and Development of Rwanda". *Journal of Finance and Marketing*, 2(1), 28-39.

Jafari Samimi, A. & A'zami, K. (2013). "The Role of Economic Empowerment in the Strategy of Resistance Economy in Developing Countries". *Scientific Journals Management System of Islamic Azad University*, 8(28), 107-120. [In Persian].

Junquera-Varela, R. F.; Verhoeven, M.; Shukla, G. P.; Haven; B.; Awasthi, R. & Moreno-Dodson, B. (2017). *Strengthening Domestic Resource Mobilization*. World Bank Publications - Books, The World Bank Group, number 27265, December.

Karimi, M. Sh. & Dourbash, M. (2018). "The Study on the Effects of Direct and Indirect Taxes on Income Distribution Using the Generalized Method of Moments". *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 6(22), 47-68. [In Persian].

- Khadem Alizadeh, A. (2016). "A Tax System Compatible with the Resistance Economy in Iran (with an emphasis on Macroeconomic Stabilization, Flexibility, Transparency and Accountability)". *Tax Research Paper*, 24(32), 145-176. [In Persian].
- Kitsos A.; Carrascal-Incera, A. & Ortega-Argilés, R. (2019). "The Role of Embeddedness on Regional Economic Resilience: Evidence from the UK". *Sustainability*, 11(14), 3800.
- Lashkarizadeh, M. & Azizi, M. (2011). "Exploration of Some Effective Factors on Taxation Culture in Iran". *Journal of Industrial Strategic Management (Pajouheshgar)*, 8(22), 82-91. [In Persian].
- Mahmoudi, A. & Imam Ali Sabzi, H. (2014). "The Position of Tax in Resistance Economy (Case Study of West Azarbaijan Province - Urmia)". *Economics and Tax Quarterly*, 1(1), 92-110. [In Persian].
- Mahmoudzadeh M.; Sotodehnia, M. (2017). "Estimating Tax Lags and Price Elasticity in Tax Groups of Golestan Province". *Iranian National Tax Administration*, 25(33), 117-147. [In Persian].
- Mankiw, N. G.; Weinzierl, M. & Yagan, D. (2009). "Optimal Taxation in Theory and Practice". *Journal of Economic Perspectives*, 23(4), 147-174.
- Mirmohammadi, S. M. & Jannati, N. (2016). "Priorities for Reforming Iran's Tax System with an Emphasis on Tourism Activities (Structural Interpretive Modeling Approach)". *Tourism and Development*, 6(1), 150-177. [In Persian].
- Nerré, B. (2001). "The Role of Tax Culture in Transformation Processes – The Case of Russia". *ASPE Working Paper*, 03/2001 St. Petersburg, Russia.
- Raei, N. & Mohseni Zenouzi, S. J. (2016). "Examining the Resistive Economics Components in the Government Revenue and its Impact on Economic Growth". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4, 115-132. [In Persian].
- Tari, F. & Kaviani, Z. (2013). "Resistance Economy and its Components". *Macro Policy Quarterly*, 2(2), 27-47. [In Persian].
- Tavakoli, M. & Khajavi, Sh. & Valipour, H. (2018). "An Assessment of the Effect of INTA's External Accountability Gap on Public Acceptance and Tax Revenues". *Journal of Tax Research*, 26(39), 69-92. [In Persian].
- Teera, J. M. (2003). "Determinants of Tax Revenue Share in Uganda". *Centre for Public Economics Working Paper 09b-03*, University of Bath.
- Wartick, M. L.; Madio, B. & Vines, C. (2008). *Reward Dominance in Tax Reporting Experiments: The Role of Context*. University of Kentucky.